نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شماره ۳۴۰، دورهٔ هشتم،
سال هفتم، ۱۸ دی ۱۳۶۹

طرح برنامهٔ حزب توده ایران

پیشگفتار

جهان، در آستانه هزاره سوم در حال تغییر و تبدل است. گرچه این تغییرات هنوز تحت تاثیر شرایط معینی، عمدتا به اروپا محدود می شود، با وجود این امید می رود، این روند در آینده بتواند گستره بیشتری یابد. بدون حل معضلات ستر ک مربوط به بخش اساسی ساکنان کره زمین که در جهان سوم بسر می برند، از هیچ تحول مثبت فراگیر در عرصه بین المللی نمی توان سخن به میان آورد.

از این نظر برنامه هر حزب سیاسی باید با توجه به منطق رشد جامعه بین المللی و برشالوده تحولات واقعی و غیرتخیلی داخلی و خارجی تنظیم گردد، حتی المقدور کوتاه و صریح به نیازهای مرحله مشخص مبارزه و خواست عام و دمکراتیك پاسخ گوید. و از همه مهمتر قابلیت انعطاف در قبال تغییر سریع رویدادها را داشته باشد.

مبارزه در راه صلح و کاهش تجهیزات نظامی عادی و سلاح های کشتار جمعی هسته ای و شیمیایی و بیولوژیك، در صورت تداوم آن از جانب مبارزان صلح و امنیت بشری، می تواند به نتایج مثبت محسوسی برسد. متاسفانه این مسئله حیاتی برای همه مردم جهان نیز هنوز خارج از مرزهای اروپا مطرح نیست. جنگ های داخلی و خونریزی و ناآرامی و تجاوزگری در کشورهای جهان سوم کماکان ادامه دارد. و علاوه بر عوامل داخلی، عامل خارجی یعنی امپریالیسم نیز در ایجاد آنها نقش موثری ایفا می کند.

در حالیکه کشورهای رشدیافته صنعتی با ابتکار دوکشور بزرگ هسته ای ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی، می کوشند تا به مسابقه سلاح های هسته ای پایان دهند.

ادامه در صفحات ۲، ۳، ۴ و ۵

طرح اساسنامهٔ حزب تودهٔ ایران

حزب

۱- حزب توده ایران به عنوان یك سازمان سیاسی، میهن دوست، انسانگرا و مدافع آزادی، دمکراسی، صلح وعدالت اجتماعی، اتحاد داوطلبانه همه نیروهای خلقی: کارگران، دهقانان، پیشه وران، کارمندان، روشنفکران و همه کسانی است که برنامه واساسنامه حزب را بپذیرند و در راه تحقق آن گام بردارند.

حزب توده ایران در پیشبرد اهداف دور و نزدیك خود از مارکسیسم - لنینیسم و همه تفکر اجتماعی - تئوریك مترقی معاصر و نیز از تاریخ اندیشه های انسانگرایانه ایران بهره گیری انتقادی و خلاق خواهد کرد.

حزب توده ایران معتقد به انحصار حقیقت نیست، مخالف سکتاریسم، دگماتیسم و فورمالیسم است. و در راه ایجاد جامعه ای دمکراتیك که در آن همبستگی و برادری و تعاون و عدالت اجتماعی میان انسانها برقرار باشد مبارزه می کند. از این نقطه نظر عضویت درحزب توده ایران مستلزم وابستگی و یا تبعیت از یك جهان بینی واحد نیست و دارندگان باورهای مذهبی گوناگون می توانند در صفوف حزب گرد آیند.

حزب توده ایران اعضای خود را با روح میهن دوستی و انترناسیونالیسم به معنای همبستگی با همه توده های زحمتکش و محروم در سراسر جهان، با روح دفاع از منافع کلیه نیروهای ضد امپریالیستی در ایران و خارج از مرزهای آن پرورش می دهد. این خصلت انسانی به موازات خط مشی اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و سازمانی حزب، مندرج در برنامه و اساسنامه آن مهمترین عامل وحدت

ادامه در صفحات ۶، ۷ و ۸

دو طرح برای بحث

طرح برنامه واساسنامه درج شده در این شماره نامه مردم محصول کار عده ای از اعضای هیئت اجرایی و اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی است. در مشورتی که این رفقا با هم کردند به این نتیجه رسیدند که برای تسریع در امر حیاتی دعوت هرچه زودتر کنگره برپایه تصمیمات پلنوم فروردین ماه مسائل مهم نوسازی حزب را در قالب دو طرح در معرض قضاوت اعضا وهواداران حزب قرار دهند؛ روشن است که برای تنظیم این اسناد مذاکرات اولیه نیز صورت گرفت.

رفقای عزیز!

اینك دو طرح در اختیار شماست که می تواند پایه بحثی پیرامون مسائل حاد نوسازی حزب قرار گیرد. ما بهیچ وجه مدعی آن نیستیم که این دو طرح کلیه مسائل را، حل شده و بطور کامل دربرگرفته است. درباره همه نکات گرهی مطرح شده دراین طرحها به عقیده ما می توان نظرات نوینی را فرمولبندی کرد. ارائه مدل اقتصادی جدید در انطباق با شرایط مشخص - تاریخی ایران و متمایز از آنچه پیشنهاد شده نیز از آن جمله است.

بنابراین رفقا می توانند هم در تکمیل دو طرح پیشنهادی شرکت جویند و هم در صورت تمایل طرح های کاملا نوین برای انتشار در نامه مردم ارسال دارند.

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران
به کنگره بیست و نهم
حزب کمونیست فرانسه
ص ۸

زنده باد آزادی و صلح، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

طرح برنامهٔ حزب ...

مجتمع های نظامی - صنعتی به سازمان دادن تولید سلاح های کشتار جمعی هسته ای، شیمیایی و بیولوژیك در کشورهای در حال رشد "کمك" می کنند. صدور سلاح های غیرهسته ای مدرن به جهان سوم در حال افزایش است.

یکی از رویدادهای مهم در جهان امروز، فروپاشی "سیستم جهانی سوسیالیسم" و آنچه "سوسیالیسم واقعا موجود" نامیده می شد، است. "کذار" کشورهای سابق سوسیالیستی به سیستم "اقتصاد بازار" و یا "مناسبات بازاری"، یعنی نظام سرمایه داری دلیل بارز شکست قطعی مدل سوسیالیسم ساخته و پرداخته استالین متکی بر سیستم فرماندهی - اداری، اقتصاد متمرکز، تعطیل آزادی و دمکراسی و رواج دگماتیسم است.

به نظر حزب توده ایران، اندیشه و آرمان سوسیالیسم در مفهوم عام شکست ناپذیر است. این آرمان خیلی پیش از طرح علمی آن از جانب بانیان مارکسیسم وجود داشت. تا زمانی که ناعدالتی ها وجود دارند، سوسیالیسم به معنای دمکراسی، همبستگی، برادری و عدالت اجتماعی توجه میلیونها انسان را جلب کرده و خواهد کرد.

جهان معاصر، برای پایان دادن به تضادهای موجود در جامعه بین المللی وحل معضلات جهانشمول همه بشری، به شکل جدیدی از پیشرفت اجتماعی نیازمند است. حرف برسر زدودن آثار فاجعه بار فقر و فلاکت، نجات میلیونها انسان از گرسنگی و بیماری، ایجاد اشتغال برای صدها میلیون انسان، تامین یك زندگی انسانی برای افراد جامعه، و نیز سالم سازی محیط زیست است که می رود تا موجودیت تمدن بشری را از بین ببرد.

کشورهای جهان از لحاظ اقتصادی به دو گروه تقسیم شده اند: رشدیافته صنعتی و واپس مانده اقتصادی. در هیچ دورانی از تاریخ بشر، اینهمه نعم مادی در جهان تولید نمی شد. اما، این نعم بطور عمده در حیطه دسترسی چند ده کشور، رشد یافته صنعتی است. در اکثر کشورهای جهان فقر و گرسنگی وحشتزایی حکمرواست.

رفاه کنونی در کشورهای رشدیافته صنعتی تا اندازه ای محصول بهره کشی از کشورهای واپس مانده اقتصادی نیز هست. ادامه این وضع غیرقابل تحمل است و استقرار هرچه زودتر مناسبات نوین و دمکراتیك اقتصادی را ضرور می سازد.

تحول در عرصهٔ بین المللی و موضع حزب توده ایران

موضع حزب درباره تحولات بین المللی، پیوند ناگسستنی با ارزیابی واقعیت ها در دو عرصه سیاست خارجی و سیاست داخلی دارد.

۱- درسیاست خارجی

تحولات در عرصه بین المللی، قبل از هرچیز، با مسئله حیاتی بقا و یا نابودی تمدن بشری ارتباط دارد. آغاز جنگ هسته ای، یعنی نابودی بشریت. منطقا همه طبقات و لایه های اجتماعی در سراسر جهان باید به یك اندازه در جلوگیری از بروز جنگ هسته ای و حفظ صلح و تامین امنیت ذینفع باشند، اصل اولویت ارزش های همه بشری نسبت به منافع طبقاتی به مثابه یکی از اصول مهم نوین در برخورد به معضلات بین المللی، ریشه در درك این واقعیت دارد. به این دلیل حزب توده ایران:

- اصل اولویت ارزش های همه بشری را می پذیرد. این امر، در ارتباط با درك خطرناك انباشت سلاح های کشتار جمعی و خطر بروز جنگ ویرانگر هسته ای است؛
- ارزش های همه بشری را جدا از آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی نمی داند؛
- ارزش های همه بشری را شامل خلع سلاح هسته ای، کاهش سلاح های عادی، جلوگیری از جنگ های منطقه ای، حق انسانها در تعیین سرنوشت، نفی استفاده از زور در مناسبات میان کشورها و دولت ها، دمکراتیزه کردن مناسبات بین المللی، اجرای کامل مفاد منشور حقوق بشر توسط همه دولتها، مبارزه با گرسنگی و فقر و بیسوادی در سراسر جهان و ایجاد شرایط لازم برای پایان دادن به واپس ماندگی اقتصادی کشورهای جهان سوم و نیز مبارزه در راه سالم سازی محیط زیست. می داند؛
- به پیوند منافع طبقاتی و ارزش های همه بشری باور دارد؛
- معتقد به وجود طبقات در هر جامعه است و بروز تضادها و اختلاف ها را محصول مستقیم و اجتناب ناپذیر آن می داند؛
- پیکار در راه صلح پایدار را وظیفه مستمر خود می شناسد و از سیاست همزیستی مسالمت آمیز میان دولت ها دفاع می کند؛
- اصل همزیستی مسالمت آمیز را به معنای قاطعیت دفاع از اصول، انعطاف پذیری تاکتیکی، سازش در حل مسایل سیاسی مورد اختلاف میان دولت ها، نفی تفکر دگماتیك و سکتاریستی در برخورد به معضلات بین المللی درك می کند؛
- برآن است که در صورت جا افتادن این اصل در مناسبات سیاسی همه کشورهای جهان و تبعیت از آن به عنوان یگانه راه معقول حل اختلاف های سیاسی از طریق مذاکرات، می توان به کاهش چشمگیر تسلیحات نظامی دست یافت و بدینسان امکانات مادی آزاد شده را درخدمت رشد اقتصادی و تامین زندگی شرافتمندانه برای انسانها گذارد؛
- توجه به اصل وحدت و یکپارچگی و وابستگی متقابل کشورهای جهان را برای جلوگیری از اشتباه در تعیین خط مشی سیاسی لازم می داند؛
- خواهان استقرار مناسبات دوستانه و برابر حقوق با همه کشورهای جهان است؛

۲- درسیاست داخلی

حزب توده ایران، رشد آزاداندیشی، تظاهر ابتکار فردی شهروندان، استقرار انواع مناسبات اجتماعی و انسانی (هومانیستی) و همبستگی و همدردی میان انسانها را در مرکز ثقل اهداف خود قرار می دهد. هر شهروند، هرگروه و لایه اجتماعی و ملی و هر نیروی سیاسی دمکراتیك باید دارای حقوق برابر در زمینه ارائه آزاد نظرات و عقاید و اندیشه های خود باشد و بتواند در محیط سالم دمکراتیك از آنها دفاع کند. مراعات بدون تبعیض آزادی های دمکراتیك و احترام به شخصیت و امنیت انسان، صرفنظر از اینکه در کدام پله طبقاتی قرار گرفته باشد، شرط اولیه آزادی و دمکراسی مورد نظر حزب است.

حزب توده ایران حقوق دمکراتیك انسانها و دستیابی به عدالت اجتماعی را، به عنوان دو عنصر اصلی ارزیابی خصلت جامعه می شناسد و هرگونه برخود ذهنگرایانه به رویدادها و پدیده ها و آرایش نیروهای سیاسی در جامعه را قویا رد می کند. شرایط مشخص - تاریخی ایران، توجه به منافع نیروهای محرکه، تحولات ریشه ای اجتماعی و وزن مخصوص هریك از اجزای نیروهای محرکه را طلب می کند. برخورد عقلایی با واقعیت جامعه، سنگپایه خط مشی سیاسی حزب در مقیاس داخلی است.

حزب توده ایران در این مرحله از مبارزه به منافع همه خلقی، یعنی خواستهای دمکراتیك عام ارجحیت قائل است و می کوشد تا به چپ روی در سیاست که خواه ناخواه به اشتباه منجر خواهد شد، راه ندهد. از این نظر یادآوری اشتباه حزب در برنامه ضرور است.

حزب توده ایران طی نیم قرن حیات سیاسی خود مرتکب اشتباهات و در مواردی اشتباهات بزرگ شده است. اشتباهات سیاسی و سازمانی

حزب، بویژه در فاصله زمانی پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ تا یورش به حزب بسیار چشمگیر بوده است و باید مورد بررسی همه جانبه و عمیق براساس اسناد ومدارك قرارگیرد. سند ارائه شده به کنفرانس ملی در این زمینه لازم بود ولی کافی نیست.

مسلم است که تاریخ را نمی توان ازنو ساخت. اما، تحلیل علمی و بی غرضانه گذشته برای بهره گیری از آن برای آینده ضرورت حیاتی دارد. از این دید، حزب مقولاتی از قبیل هژمونی پرولتاریا، دیکتاتوری پرولتاریا، انقلاب دمکراتیك خلق، راه رشد غیرسرمایه داری و هر مقوله مخالف با قانونمندی رشد جامعه را، رد می کند.

حزب توده ایران، ایجاد سلزمان مخفی در دوران کار علنی و قانونی حزب با هر شکل و مضمونی را مطرود می داند. این یکی از اشتباهات بزرگ حزب در گذشته بود. حزب ما اعلام می دارد که فعالیت حزب، در ایران آزاد و مستقل و دمکراتیك. کاملا علنی خواهد بود و اعمال آن از طریق مطبوعات در معرض قضاوت عام قرارداده خواهد شد.

از اینرو حزب توده ایران:

– نظر نادرست شناسایی مارکسیسم به مثابه مجموعه ای از نسخه های از پیش آماده شده و رهنمودهای خشك و جامد را رد می کند و با هرگونه الگوبرداری مخالف است و از همه اندیشه های اجتماعی– تئوریك مترقی معاصر استفاده خواهد کرد؛

از اشکال گوناگون اصلاحات اجتماعی – اقتصادی ثمربخش برای برون رفت از بحران ساختاری و تامین رفاه توده های محروم، صرفنظر از مجریان آن، دفاع می کند؛

– مبارزه در راه آزادی و دمکراسی، صلح و عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه" را یگانه راه معقول و منطقی در شرایط ایران می داند؛

– دستیابی به دمکراسی را هدف عمده و شرط اصلی ایجاد جو فعال و سالم برای تکامل جامعه می شمارد و خواهان چنان شکلی از آن است که دمکراسی پارلمانی و اقتصادی را با خودگردانی شهرها و استانها پیوند دهد؛

– آزادی و دمکراسی را به معنای مراعات کامل آزادی های دمکراتیك مورد پذیرش بشریت مترقی، آزادی احزاب و اجتماعات و سندیکاها و اتحادیه های صنفی، آزادی بیان و قلم و عقیده و باورهای مذهبی، احترام به منشور حقوق بشر و اجرای بدون قید و شرط اصول آن، پذیرش پلورالیسم سیاسی و اقتصادی می داند؛

– به اصل طرد "ولایت فقیه" به مثابه هسته مرکزی ایدئولوژیك – سیاسی حاکمیت کنونی اهمیت ویژه ای قائل است. رسیدن به این هدف مستلزم تحول ساختاری در حاکمیت، از طریق ایجاد یك حکومت دمکراتیك متکی بر اراده واقعی مردم و تدوین قانون اساسی نوین با مضمون نفی حکومت تئوکراتیك، استبدادی و نیز جدایی دین از سیاست است؛

– خواهان استقرار حاکمیت خلق درعالی ترین سطح آن است، حاکمیتی که تفاهم مجموعه شهروندان و یا اکثریت آنها برپایه تبادل نظر آزاد، بنیاد آن را تشکیل دهد. چنین شکلی فقط در محدوده یك حکومت حقوقی تحقق پذیر است؛

– با توجه به کثیرالمله بودن ایران، شکل حکومتی "جمهوری فدرال" را ارجح می شمارد و در این راه مبارزه می کند؛

– مخالف هرگونه تظاهرملی گرایی و شوینیسم عظمت طلبانه است و برای حفظ تمامیت ارضی کشور در جهان پرتلاطمی که احساسات ملی در سراسر آن اوج می گیرد، معتقد به دادن حق تشکیل مجلس و دولت ملی به خلق های ساکن ایران در محدوده جمهوری فدرال است؛

– به فرهنگ و زبان و سنن و آداب خلق های ساکن ایران احترام می گذارد و با هرگونه عمل قهرآمیز در مقابله با خواستهای انسانی و عادلانه خلق ها مبارزه کرده و خواهد کرد؛

– برآن است که فقط با دادن حق تعیین سرنوشت به خلق ها در چارچوب ایران واحد و دمکراتیك می توان به انسجام و وحدت خلق ها برای حل معضلات مشترك عظیم اجتماعی – اقتصادی و سیاسی، دست یافت؛

– طرفدار تامین استقلال اقتصادی – سیاسی ایران در مرز معقول در جهان دارای وابستگی متقابل و یکپارچه است. منظور از استقلال سیاسی، منفرد ساختن کشور از جامعه بین المللی نیست، هدف تعیین سرنوشت حال و آینده کشور به دست ایرانی است؛

– در راه عدالت اجتماعی مبارزه می کند و در این زمینه دفاع از منافع توده های زحمتکش – کارگران و دهقانان – و نیز کسبه و پیشه وران و کارمندان و روشنفکران را مد نظر دارد. ما، از عدالت اجتماعی متکی بر اشکال گوناگون مالکیت که به طبقات و لایه های مختلف اجتماعی و همه شهروندان شانس برابر برای تحقق امیال خویش در جهت اعتلای کشور بدهد، موافق هستیم؛

– خواهان تامین اجتماعی برای همه است و دستیابی به مساعدترین سطح اشتغال را هدف قرار می دهد!

– اصلاحات ارضی به سود دهقانان، تجدید ساختمان روستاها، کمك به دهقانان از طریق ایجاد شرایط برای کشت و داشت و برداشت را عامل تعیین کننده در افزایش تولید محصولات کشاورزی تا سطح خودکفایی نسبی می داند؛

– تحقق بخشیدن به برابری کامل زن و مرد در همه عرصه های اجتماعی از آماج های اصلی مبارزه حزب است؛

– معتقد به نقش حساس روشنفکران و هنرمندان در تامین پیشرفت جامعه و بالابردن سطح فرهنگی آن است و از منافع آنها دفاع می کند؛

– به گسترش هرچه بیشتر مراکز آموزشی در همه سطوح اهمیت فوق العاده می دهد. بدون تربیت کادرهای حرفه ای، مدیران، مخترعین، پژوهشگران، طراحان، مهندسین و تکنسین های کاردان و وارد به تکنیك و تکنولوژی مدرن، نمی توان به واپس ماندگی اجتماعی – اقتصادی پایان داد؛

– در راه دادن شانس اجتماعی برابر به همه شهروندان، برای دسترسی به آموزش و فرهنگ مبارزه می کند؛

– ایجاد شرایط اجتماعی برای تحقق حقوق اساسی جوانان برای شرکت در حل مسائل سیاسی مربوط به خود را ضرور می شمارد؛

– دفاع از خانواده و تامین زندگی نسبتا مرفه برای باز نشستگان را از وظایف اصلی خود می داند؛

– بنابر خصلت ملی و میهن دوستانه اش مدافع تمامیت ارضی ایران است و به همین سبب خواهان نوسازی نیروهای مسلح از طریق ایجاد ارتشی دمکراتیك، مجهز به سلاح های تدافعی است. و وظیفه ارتش دفاع از مرزهای ایران خواهد بود؛

– مخالف استفاده از ارتش برای سرکوب جنبش های اعتراضی است. از این نظر نگهداری "سپاه پاسداران انقلاب" را که به یك نهاد سرکوبگر تبدیل شده، زائد می داند و خواهان الغای آن است؛

– برآن است که دکترین نظامی حکومت دمکراتیك باید منعکس کننده خواست مردم دایر بر پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی در منطقه خلیج فارس و خاور نزدیك و تبدیل آن به منطقه غیرهسته ای و صلح و امنیت و کاهش بودجه نظامی تاحد معقول و متناسب با دکترین نظامی باشد؛

– خواهان انحلال "وزارت اطلاعات" و دیگر ارگان های سرکوبگر و از آنجمله "کمیته مرکزی" و کمیته های وابسته به آن و ایجاد نیروهای دمکراتیك انتظامی در خدمت مردم برای حفظ نظم و انضباط در جامعه در محدوده قانون است؛

– تفکیك فعالیت سه قوه قانونگذاری و اجرایی و قضایی و تامین استقلال قوه قضایی را شرط لازم برای دمکراتیزه کردن جامعه می داند. فقط قانون در کشور حکمروا خواهد بود و همه در برابر آن باید دارای حقوق مساوی باشند.

◄

برنامهٔ رشد اجتماعی اقتصادی

در ایران مناسبات سرمایه داری مخدوش حاکم است. ماهیت روبنای سیاسی، ضد دمکراتیک و استبدادی است. استبداد در هرشکلش سد راه پیشرفت اجتماعی است و رشد واقعی نیروهای مولد را غیرممکن می سازد. وقتی خودکامگی در پوشش مذهبی تجلی می کند، تاثیر منفی آن شدت می یابد و مانع دستیابی به استقلال اقتصادی مورد نظر می شود. اما، استقلال هم جدا از آزادی و دمکراسی نیست و مجموعه آنها پیوند ناگسستنی با ماهیت رشد اقتصادی دارند.

در عصر پیشرفت سریع انقلاب علمی - فنی، رشد اقتصادی، بدون مراعات اکید پلورالیسم سیاسی و نظری که برای انتخاب مساعدترین و ثمربخش ترین مدل اقتصادی رشد ضرورت دارد، مقدور نیست.

تجربه سال های پس از انقلاب بهمن ۵۷ نشان داد که رژیم تئوکراتیک حاکم بر ایران، نه تنها قادر نشد میزان وابستگی به تجدید تولید کشورهای رشدیافته صنعتی را کاهش دهد، بل آن را ژرفتر نیز کرد و اصولا، با جلوگیری از رشد اقتصادی - اجتماعی و "واپس راندن" سیرآن، انواع تضادهای نوین بر تضادهای قبل از انقلاب بهمن ۵۷ افزود.

عملکرد رژیم استبداد مذهبی از سویی و ناتمام ماندن و در مواردی حتی "عقب" رانده شدن رشد موزون طبقات و لایه های اجتماعی از سوی دیگر از عوامل اصلی بروز وضع بحرانی کنونی در جامعه است.

رشد ناهنجار بورژوازی در ایران تاریخ طولانی دارد و محصول سیاست رژیم حاکم گذشته در عرصه اجتماعی - اقتصادی و سیاسی بود. لایه ویژه "بورژوازی صنعتی - مالی" گذشته با درهم آمیزی سرمایه های داخلی وخارجی (تحت کنترل دومی) و با تکیه بر تجدید تولید کشورهای پیشرفته صنعتی به معنای استفاده از تکنیک و تکنولوژی و مواد نیم ساخته و خام آنها رشد یافت. این لایه اجتماعی که در کوتاه مدت توانست قدرت اقتصادی عظیمی را در دست خود متمرکز سازد، به علت "مصنوعی" بودن رشدش، قادر نشد به حاکمیت سیاسی دست یابد. و این یکی از شاخه های سیاست رژیم حاکم بود که حتی المقدور مانع رشد موزون و قانونمند بورژوازی به مثابه یك نیروی سیاسی موثر در اداره امور کشور، گردید. مشابه این روند، البته به شکل دیگری در سیر تکاملی طبقه کارگر جریان داشت. ساختار طبقه کارگر به علت عدم وجود صنایع کلیدی و تولید صنعتی به معنای واقعی، نیمه تمام باقی ماند. هشتاد درصد کارگران ایران در آن ایام بی سواد و یا کم سواد بودند. این پدیده عمیقا منفی محصول خصلت صنایع مونتاژ بود که نیازی به کارگر باسواد، آموزش دیده و ماهر نداشت.

ضعف مجموعه بورژوازی ایران و اینکه حاضر نبود در عصر انقلاب علمی - فنی در صنایع سرمایه بر دارای آینده، سرمایه گذاری کند و دستیابی به سود هرچه زودتر وهرچه سریع تر بسنده کرد، به موازات ضعف ساختاری طبقه کارگر و رشد ناهنجار بخش خدمات به مثابه منبع رشد بیسابقه لایه های میانی و بینابینی و عدم امکان تشکل آنها، خواه ناخواه روبنای خاصی را تقویت کرد که فقط با توسل به زور می توانست حکومت کند.

انقلاب بهمن ۵۷ که منطقا و ازلحاظ عینی برای پایان دادن به این سیستم روبنایی تحقق یافت، در عمل ناکام ماند، و نتوانست اهداف اولیه خود را تحقق بخشد. درست است که در آغاز، لایه معینی از بورژوازی دولت را اداره کرد. اما، این گروه نیز به علت ناتمام ماندن رشدش، نمی توانست در رویارویی با خمینی، به عنوان "سخنگوی خلق" عرض اندام کند. قبضه انحصاری حاکمیت از جانب خمینی و یارانش، بیانگر آن بود که راه هرگونه پیشروی جامعه مسدود خواهد بود. عملا نیز چنان شد. سیاست رژیم، ساختار بورژوازی را معیوب تر کرد. حفظ صنایع وابسته که معنایی جز حفظ نظام "سرمایه داری وابسته" نداشت و تکیه بر استراتژی صنایع کوچك زمینه را برای رشد بیسابقه "عقب مانده" ترین و انگل ترین لایه بورژوازی - بورژوازی تجاری، واسطه و صراف - آماده کرد. این نیز به تشدید وابستگی انجامید. مدل اجتماعی - اقتصادی رژیم "ولایت فقیه" به افزایش کمی سریع لایه های بینابینی در کلیه زمینه ها منجر گردید. این سیاست روبنای نوین دیکتاتوری را این بار با نقاب مذهبی که مانند گذشته می بایست ازحربه ترور و اختناق برای حفظ خود استفاده کند، بوجود آورد. سیاست "جنگ، جنگ تا پیروزی" خمینی، ضربه مهلکی بر پیکر اقتصاد بیمار ایران وارد آورد. کارگاههای مونتاژ به علت نبود مواد اولیه و قطعات یدکی و مواد نیم ساخته یا تعطیل شدند و یا تولیدشان به حداقل ظرفیت کاهش یافت. میلیونها انسان بیکار به "بازار کار" افزوده شد. جنبش اعتصابی کارگری که ضعیف بود، باز هم ضعیف تر شد.

"ادامه جنگ"، گسترش رشوه خواری و سوء استفاده روحانیون دست اندرکار معاملات خارجی را، موجب گردید. و لایه بورژوازی بوروکراتیك نسل جدید را در کشور بوجود آورد. این لایه تاثیر زیادی در تدوین و اجرای سیاست داخلی و خارجی دارد.

در سال های پس از انقلاب به علل گوناگون، از جمله افزایش بی حد کارکنان بخش دولتی و نهادها و بنیادهای گوناگون نوخاسته و نیز ایجاد کارگاههای کوچك و گسترش شبکه توزیع کالا به مثابه پردرآمدترین "فعالیت اقتصادی"، لایه های بینابینی و میانه، جای مهمی را در ساختار جامعه به خود اختصاص دادند. هر نوع تحول در آینده، بدون توجه به خواست های این لایه ها و بدین ترتیب شرکت فعال آنها در مبارزه، ممکن نخواهد شد.

در این مورد نباید نقش دهقانان کم زمین و بی زمین را نیز از نظر دور داشت. این یك قشر وسیع در روستاهاست و تاثیر خود را بر رویدادهای کشور برجای خواهد گذاشت. مهاجرت روبه تزاید روستائیان از هستی ساقط شده به شهرها لایه نوینی از "حاشیه نشینان" در تهران و اکثر شهرهای بزرگ ایران بوجود آورده است.

مجموعه این عوامل که نتیجه سیاست رژیم حاکم است، کشور را با بحران ساختاری روبرو کرده است. این روند به همراه تاثیر منفی مبارزه جناحهای گوناگون در هرم حاکمیت و پیرامون آن برسر قبضه انحصاری حاکمیت، هم بورژوازی صنعتی و هم اکثر لایه های بینابینی را از رژیم دور می کند. سرمایه که نیاز به ثبات و امنیت و آزادی عمل دارد به خارج منتقل می شود. گسترش بحران در ژرفا و پهنا به بی ثباتی رژیم می انجامد.

نبود سرمایه، ترابری، مواد اولیه، لوازم یدکی، کالاهای نیم ساخته، قطعات منفصله، ماشین آلات، نیروی انسانی ماهر، تکنیك و تکنولوژی بومی، کاهش تولیدات صنعتی و کشاورزی در مقایسه با سال قبل از انقلاب بهمن ۵۷، کاهش سرسام آور تولید ناخالص داخلی ودرآمد ملی، انباشت ثروت در یك قطب محدود و فقر در قطب گسترده، ناسالمی محیط کسب و کار، گرانی سرسام آور، تورم فزاینده، گرسنگی، بی سرپناهی خانواده ها و "خیابان خوابی"، بیغوله نشینی، بیماری، بی سوادی، بیکاری روزافزون، گسترش اعتیاد و فحشا و فساد از ویژگیهای رژیم "ولایت فقیه" در آغاز دهه دوم حاکمیت روحانیون و آخرین دهه سده بیستم است.

گسست شیرازه اجتماعی - اقتصادی و فقدان امکان پیوند دادن مجدد آن، یکی از مهمترین معضل کشور است. در شرایط ادامه ساختار کنونی حاکمیت متکی بر اصل "ولایت فقیه"، راه برون رفت از بن بست وجود ندارد. رژیم می تواند با اخذ وام با بهره سنگین بیماری مزمن اقتصادی راقطع اندکی تسکین دهد.

ایران از نظر اقتصادی و اجتماعی در زمره کشورهای عقب مانده قرار دارد. در شرایط رشد سریع انقلاب علمی و فنی، کشور هنوز فاقد تولید و تجدید تولید صنعتی به معنای آنچه در کشورهای پیشرفته صنعتی جریان دارد، است. اقتصاد تك کالائی و وابسته به درآمد نفت. برای آنکه بتوان در فاصله زمانی کوتاه سیر این روند را متوقف ساخت، باید

مناسب ترین راه رشد اجتماعی - اقتصادی در مرحله حاضر را انتخاب کرد. باید چنان راه رشدی را برگزید که بتوان از همه امکانات داخلی و خارجی برای متوقف ساختن سیر قهقرائی جامعه و تامین خودکفایی نسبی استفاده بهینه کرد.

به باور حزب توده ایران، مدل رشد اجتماعی - اقتصادی، قبل از هرچیز باید منافع همه مردم و سرنوشت کشور را در مرکز توجه خود قرار دهد. حل مشکلات عظیم اقتصادی، مالی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، فقط با شرکت طبقات و لایه های گوناگون جامعه امکان پذیر است.

حزب توده ایران با تحلیل عمیق وهمه جانبه ساخت جامعه، آرایش نیروها ونیز ضرورت بهره گیری از همه امکانات مادی و معنوی برای تامین رشد سریع اقتصادی در شرایط کنونی وجود، سه نوع مالکیت دولتی، تعاونی و خصوصی را در کشور ضرور می داند و عدول از این مدل را به هر دلیلی، مباین مصالح ملی می شمارد.

حزب توده ایران:

- طرفدار بخش دولتی دمکراتیک است. این بخش باید علاوه بر رشته های استراتژیک، فقط در صنایع کلیدی سرمایه بر، که بخش خصوصی حاضر به سرمایه گذاری در آنها نیست، فعالیت کند؛
- مخالف انحصار مالکیت دولتی و یا رشد بی کنترل آن است؛
- در عین مخالفت با افزایش نامحدود قدرت اقتصادی دولت، مخالف حاکمیت بخش خصوصی سرمایه داری بر اقتصاد نیز هست؛
- پشتیبان مالکیت تعاونی و گسترش آن برای دستیابی به عدالت اجتماعی است و با همه توان از منافع شرکت های تعاونی دفاع خواهد کرد؛
- به مالکیت های خصوصی خانوادگی احترام می گذارد؛
- مشوق بهره گیری از همه امکانات بخش های تعاونی وخصوصی برای رقابت سالم با بخش دولتی است؛
- برای پیشبرد هرچه سریعتر رشد اجتماعی - اقتصادی متکی بر مدل سه نوع مالکیتی، معتقد به شرکت فعال در تقسیم کار بین المللی است؛
- برآن است که هم کارگران، هم بورژوازی و هم لایه های بینابینی ذینفع باید در اداره تولید، شرکت فعال داشته باشند. فقط دراین صورت، می توان حکومت دارای ثبات سیاسی بوجود آورد. چنین حکومتی روبنای دمکراتیک اقتصاد سه نوع مالکیتی خواهد بود؛
- معتقد است که دهقانان صاحب زمین باید راسا سرنوشت خویش را بدست گیرند و در صورت تمایل می توانند در تعاونی های تولیدی شرکت کنند.

جبههٔ واحد

استراتژی سیاسی حزب توده ایران متوجه عملکرد موثر مدل سه نوع مالکیتی رشد به معنای پلورالیسم اقتصادی و سازماندهی جنبش همه خلقی برای دفاع از مدل جدید در محدوده پلورالیسم سیاسی، است. این مکانیسم ها باید در چارچوب یك جبهه واحد مرکب از همه نیروها و شخصیت های سیاسی (به استثنای احزاب و سازمانهای فاشیستی و نژاد پرست) موثرتر و کاراتر عمل کنند.

حزب، تشکل نیروهای سیاسی دمکراتیك در جبهه واحد را یگانه نیروی محرکه مبارزه در راه آزادی و دمکراسی و صلح و عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه" می داند و شعار "هرکه با مانیست دشمن ماست" را نادرست می شمارد.

حزب توده ایران اعلام می کند:

- آماده مبارزه مشترك در کنار همه احزاب و سازمان های دمکراتیك از جمله شخصیت های سیاسی وجریان های سیاسی - مذهبی است؛
- معتقد به استفاده از معیارهای نوین به معنای رد هرگونه "بدبینی" و "پیشداوری" تکیه برنکات مشترك است؛
- "دشمنی" در برخورد اندیشه ها و عقاید احزاب و سازمان های سیاسی و سیاسی - مذهبی برخاسته از بطن جامعه را غیراصولی می داند؛
- به مسابقه مسالمت آمیز خط مشی ها و برنامه های گوناگون اعتقاد دارد و تحمل دگراندیشان حامل عقاید و برنامه های سیاسی مختلف را شرط ضرور تبادل اندیشه ها و مسابقه برنامه ها و تجلی فرهنگ سیاسی می داند؛

- جبهه واحد، ارگانی است برای تجمع نیروهای ضد رژیم در مقطع زمانی معین، با سمت گیری مشخص به منظور دستیابی به مقدم ترین هدف ممکن. پذیرش این هدف و پیروی از آن به معنای عدول احزاب و سازمانها از مواضع اجتماعی- اقتصادی و سیاسی بازتاب یافته در برنامه هایشان نبوده و نیست؛
- مبارزه در راه جبهه واحد نیروهای دمکراتیك را نه یك هدف تاکتیکی، بل استراتژیك برای خود می شمارد.

برخاسته از این دیدگاه، حزب توده ایران تشکیل "جبهه واحد" را یك ضرورت تاریخی و مبهنی در لحظه کنونی می داند.

به این سبب وظیفه سیاسی حزب گسترش هرچه بیشتر پایه های اجتماعی خود در جامعه به منظور ایفای نقش هرچه فعالتر در جبهه واحد است.

حزب توده ایران باید کار در میان کارگران و متمرکز ساختن فعالیت در کارخانه های بزرگ را تسریع بخشد. در عین حال باید کار روشنگری میان لایه های بینابینی را هرچه بیشتر توسعه دهد.

حزب توده ایران همیشه از منافع دهقانان کم زمین و بی زمین دفاع کرده است. به موازات ادامه این سیاست، حزب توجه به خواستهای دهقانان میانه حال را نیز مد نظر قرار می دهد. حزب باید در شهرها و روستاها پایگاه اجتماعی خود را گسترش بخشد.

حزب توده ایران صریحا اعلام می کند که با درك ویژگیهای شرایط جامعه وآرایش نیروهای سیاسی و اجتماعی، آماده همکاری با همه اقشار بورژوازی و همه سازمان های آنها اعم از سیاسی و سیاسی - مذهبی است. این همکاری فقط مشروط به پذیرش ومراعات اکید پلورالیسم سیاسی است.

مبارزه حزب در راه آزادی و دمکراسی و صلح و عدالت اجتماعی از طریق طرد مسالمت آمیز رژیم "ولایت فقیه"، هدف معین و مشخص پیشرفت اجتماعی را تعقیب می کند. برای دستیابی به این هدف، شرکت همه مردم ضرورت دارد.

گسترش پایگاه اجتماعی حزب، مستلزم تشدید فعالیت در داخل کشور، تامین هرچه بیشتر انسجام و وحدت، تقویت انضباط داوطلبانه و دوری گزیدن از دگماتیسم و سکتاریسم است.

حزب باید دربالا بردن سطح آموزش نظری اعضا وهواداران تلاش ورزد. تغییر چهره جهان و دگرگونیهای ژرف در عرصه نظری و طرح مباحث نوین، بالابردن سطح دانش نظری - سیاسی اعضا و رهبری را می طلبد.

دوری از پندارگرایی در تحلیل و نتیجه گیری از واقعیات جامعه، بهره گیری صحیح و منطقی از جهان بینی مرکز ثقل طرح برنامه حاضر را تشکیل می دهد.

رفقا و دوستان!

به نظر تنظیم کنندگان، آنچه در طرح آمده فقط پیشنهادی است برای بحث و شفاف تر کردن هرچه بیشتر برنامه. هدف از تنظیم این طرح و ارائه آن برای نظرخواهی توسط عده کمی از رفقا تسریع در پیشرفت امر تدارك کنگره است. اکنون مبنای بحث در دست همگان است و همه بدون استثنا می توانند یا درباره این طرح نظر دهند و یا طرح کاملا جداگانه ای را تنظیم وارسال دارند.

طرح اساسنامهٔ حزب ...

وانسجام حزب بشمار می رود.

عضویت در حزب

۲ - *شرایط عضویت در حزب توده ایران عبارتست از:*

- تابعیت ایران.
- داشتن حداقل ۱۸ سال تمام.
- پذیرش برنامه حزب و مبارزه در راه تحقق مفاد آن و تبعیت از اساسنامه حزب.

عضو حزب توده ایران نمی تواند در عین حال عضو حزب دیگری باشد.

پذیرش به حزب

۳ - *شرایط پذیرش در حزب توده ایران به قرار زیرین است:*

- پذیرش عضو انفرادی است واز طریق حوزه بعمل می آید.
- تقاضاکننده عضویت باید از جانب دو عضو حزب دارای حداقل دو سال سابقه حزبی معرفی گردد. آنها صلاحیت اخلاقی و سیاسی و اجتماعی وی را برای عضویت در حزب تصدیق خواهند کرد.
- پذیرش حزب در حوزه با اکثریت دوسوم آرا خواهد بود و به تصویب ارگان بالاتر نیازی نخواهد داشت.
- هر حوزه ای حق دارد در صورت لزوم دوره آزمایشی برای عضو جدید تعیین کند. دوره آزمایشی نباید از یك سال تجاوز کند.
- سابقه حزبی اعضا از روزی است که حوزه عضویت آنها را در حزب پذیرفته و برای ثبت به ارگان بالاتر گزارش داده است.

وظایف عضو حزب

٤ - *عضو حزب موظف است:*

- در یکی از حوزه های حزبی شرکت کند و فعالیت حزبی را وظیفه خود بشمارد.
- طبق معیار مصوب حق عضویت بپردازد و به حزب کمك مالی کند و یا در جمع آوری آن شرکت فعال جوید.
- برنامه حزب را به درون توده های مردم ببرد، مبلغ مشی سیاسی حزب باشد و با همه توان در راه انسجام درونی حزب بکوشد.
- انضباط آگاهانه حزبی را که برای همه یکسان است اکیدا مراعات کند.
- سطح دانش سیاسی خود را بالا ببرد. با روح همبستگی و انساندوستانه عمل کند. و با صبر و حوصله و مراعات فرهنگ سیاسی با دگراندیشان برخورد کند.
- از هرعملی که می تواند به حیثیت و اعتبار حزب لطمه بزند بپرهیزد و سعی کند تا در زندگی خصوصی و اجتماعی رفتارش نمونه باشد و انتقاد ازخود را وظیفه حزبی بداند و در بحث ها ومذاکرات سیاسی در جلسات عمومی فرهنگ بحث و معاشرت را مراعات کند.

حقوق عضو حزب

۵ - *عضو حزب حق دارد:*

- مسائل داخلی و خارجی و سازمانی حزب را در جلسات حزبی مورد بحث قرار دهد و در تنظیم سیاست حزب شرکت فعال جوید.
- در مباحثات مطبوعاتی شرکت کند، مسائل سازمانی و نظری و پراتیکی حزب را آزادانه مورد بحث قرار داده از آنها انتقاد کند و پیشنهاد های سازنده به ارگان های حزب تا عالی ترین آنها ارائه دارد و خواهان انتشار آنها و دریافت پاسخ قانع کننده باشد.
- درصورت تمایل در جلسات کمیته محلی برای طرح نظرات خویش شرکت داشته باشد.
- در سازمان های توده ای اجتماعی شرکت جوید.
- در انتخابات ارگان های حزبی شرکت فعال داشته باشد و به عضویت آنها انتخاب شود.
- در جلسه ای که به رفتار و فعالیت وی رسیدگی می شود شرکت کند، امکان دفاع آزاد از خود را داشته باشد، خواهان ارائه اسناد و مدارك و شواهد برای اثبات اتهام وارده گردد و اگر به قرار صادره از جانب ارگان مربوطه معترض باشد به ارگان های بالاتر تا کنگره حزب شکایت کند.
- اعضای آزمایشی می توانند در انتخابات شرکت جویند و رای آنها مشورتی خواهد بود. عضو آزمایشی نمی تواند به عضویت ارگان های حزبی انتخاب گردد.

مجازات حزبی

٦ - *مجازات تخلف از برنامه و اساسنامه و عدم اجرای وظایف و یا سوءاستفاده از مسئولیت حزبی به تناسب شدت به ترتیب زیرین است:*

- تذکر شفاهی، تذکر کتبی، توبیخ، سلب مسئولیت حزبی. این مجازاتها حق حوزه های حزبی است و نیازی به تصویب ارگان بالاتر ندارد. مجازات حزبی با دوسوم آرا تصویب می شود.
- اخراج از حزب، حداکثر مجازات حزبی است. در موقع صدور و تائید قرار اخراج باید اسناد و مدارك دقیق و بی خدشه مورد بررسی با احتیاط و همه جانبه قرار گیرند. قرار اخراج با دوسوم آرای شرکت کنندگان در حوزه حزبی اتخاذ می شود. اگر فرد اخراج شده از حق خود برای مراجعه به ارگان های عالی تر استفاده نکند، قرار حوزه به مورد اجرا گذارده می شود.

اگر افرادی طی شش ماه متوالی از شرکت درجلسات حزبی و پرداخت حق عضویت بدون عذرموجه خودداری کنند، پس از تذکر و توبیخ از حزب اخراج می شوند. اخراج از حزب در این مورد هم از وظایف حوزه بشمار می رود.

- در مورد اخراج اعضای اصلی و مشاورین کمیته مرکزی خواه از عضویت کمیته مرکزی و خواه از حزب باید پلنوم کمیته مرکزی تصمیم بگیرد و برای اخذ تصمیم حداقل دو سوم آرای اعضای اصلی کمیته مرکزی لازم است.

اخراج از کمیته مرکزی فقط درصورت عدم صلاحیت سیاسی با پیشنهاد هیئت اجرایی می تواند انجام گیرد. هیئت اجرایی حق دارد چنین افرادی را از عضویت در کمیته مرکزی (اصلی و مشاور) معلق سازد و اسناد و مدارك مربوطه را به پلنوم کمیته مرکزی برای تصمیم نهایی ارائه دهد.

ساختار دمکراتیك حزب

۷ - *حزب توده ایران:*

- همه اعضای حزب را برابر حقوق می داند. عضویت در ارگان های رهبری امتیازی برای عضو حزب نیست و بیانگر مسئولیت وی در قبال اعضای حزب است.
- از اصل مرکزیت - دمکراتیك با شروط تکیه بیشتر بر دمکراسی و تبعیت بی چون و چرا از شناسایی حاکمیت عضو حزب، تبعیت می کند.
- معتقد است که سرنوشت حزب فقط با اراده جمعی اعضای حزب باید تعیین گردد و این اصل تغییر ناپذیر است.
- به آزادی و دمکراسی درون حزبی، پلورالیسم نظری و حق بیان آزاد نظرات و عقاید در حزب ارزش فوق العاده ای قائل است واین اصول را سنگپایه سازمانی می شمارد.
- پایه و بنیاد فعالیت حزب را در کلیه عرصه ها، مصوبات اکثریت در عالی ترین ارگان های حزب می داند. ساختار دمکراتیك حزب به معنای تضمین شکل گیری اراده از پائین به بالا باید چنان باشد که خصلت

دمکراتیک این اصل راتشکیل دهد و منافع مجموعه حزب را با منافع اعضای آن انطباق دهد و بدینسان دو عامل عمده تحکیم حاکمیت عضو حزب و انضباط آگاهانه را که لازم و ملزوم یکدیگرند تامین کند.

– معتقد است که همه اعضای حزب بدون استثنا باید در تدوین وتنظیم اسناد برنامه ای و همه مدارک مهم آن از طریق نظرخواهی شرکت فعال داشته باشند. در موارد ضرور که کمیته مرکزی تشخیص دهد می توان مسائل مورد اختلاف را به همه پرسی در حزب گذارد.

– اصل تبعیت از اکثریت را به معنای عدم توجه به نظرات اقلیت نمی داند. اقلیت در عین اجرای تصمیمات اکثریت، حق دارد نظرات خود را در مطبوعات حزبی منتشر سازد و از آنها دفاع کند.

– به کار جمعی با مسئولیت شخصی ارجحیت قائل است وهرگونه سیستم فرماندهی و اداری در حزب را نفی می کند.

– سری از اعضای خود ندارد و پیروی از اصل علنیت را در فعالیت روزانه حزب مهمترین عامل انسجام می شمارد. هدف از مراعات اصل علنیت قراردادن اطلاعات دقیق و همه جانبه و بسیط دراختیار اعضای حزب برای ایجاد امکان انتقاد سازنده از کلیه ارگان های حزبی به منظور ثمربخش تر ساختن فعالیت آنهاست.

– دمکراسی درون حزبی را علاوه از آزادی امکان اظهارنظرفردی، در شکل اظهارنظر جمعی مرکب از عده ای از رفقای همفکر نیز می داند. دراینگونه مواقع اعضای دارای پیشنهادهای واحد می توانند نظرات خود را در شکل کارپایه تنظیم و به کنفرانس های محلی تا کنگره ارائه دهند. همه کارپایه ها باید مورد بحث قرار گیرند.

– دمکراسی درون حزبی را بدون پذیرش مسئولیت تصور نمی کند و اعتقاد به حق بدون مسئولیت و مسئولیت بدون حق ندارد.

– مخالف ایجاد فراکسیون و گروه در درون حزب است.

– خودگردانی را اساس اداره امور کمیته های روستایی، شهر، شهرستان و استان می داند. همه این ارگانها می توانند با توجه به خواستهای ساکنان هر محل تصمیمات ویژه ای برای پیشبرد اهداف حزب اتخاذ کنند. تصمیمات اتخاذ شده نمی توانند مخالف برنامه و اساسنامه حزب باشند. این ارگانها موظفند در محل های فعالیت خویش در اجرای خط مشی ارگان مرکزی پیرامون تامین وحدت عمل نیروها با درنظر گرفتن شرایط محل اقدام کنند و مبتکر ایجاد جبهه واحد از پائین باشند. در این مورد نیازی به رهنمود از بالا نیست.

– خواهان مراعات اصل تبعیت کمیته های پائین از کمیته های بالاتر تا کمیته مرکزی است.

– اجرای دمکراسی درون حزبی را در عالی ترین سطح در مورد نیروهای سیاسی خلق های ساکن جمهوری فدرال ضرور می داند. در این زمینه احزاب دمکراتیک و مترقی چپ سیاسی و ملی در جمهوری فدرال، اعم از آنکه قبلا با حزب توده ایران اتحاد سازمانی کرده و یا در آینده بخواهند به حزب بپیوندند می توانند، در صورت خواست اکثریت اعضای خود نام حزب و سازمان را که دارای اهمیت تاریخی ملی است حفظ کنند. همه اینگونه احزاب و سازمان های ملی دارای کمیته مرکزی، هیئت اجرائیه، دبیر اول و معاون دبیر اول و کمیسیون های مربوطه مندرج دراساسنامه حزب توده ایران، ویژه خود خواهند بود.

برنامه و اساسنامه برای کلیه این سازمانها واحد و عبارت خواهد بود از برنامه و اساسنامه حزب توده ایران که به عنوان عامل عمده پیوند سازمانی عمل خواهد کرد.

کمیته های مرکزی احزاب ملی دارای ارگان های مرکزی به زبان مادری خواهند بود.

– انتخابی بودن همه ارگان های رهبری حزب را از پائین به بالا با رای مخفی از جمله مراعات آزادی رای می شمارد.

– گزارش دهی منظم از طرف ارگان های رهبری در برابر سازمان های مربوطه را وظیفه اساسی می داند.

الف) تقسیمات سازمانی حزب عبارتست از:

– حوزه، کمیته شهر، کمیته شهرستان، کمیته استان. در روستاها کمیته های روستائی عمل خواهند کرد.

– حوزه پایه وسازمان اولیه حزب است. حداقل افراد حوزه سه نفر است. حوزه با موافقت کمیته روستایی در روستاها و کمیته شهر در شهرها تشکیل می گردد و دارای مسئول، مسئول عالی خواهد بود. در هر جلسه ای منشی انتخاب می شود. فقط تصمیمات حوزه در صورتجلسات درج می گردد.

– حوزه حلقه اساسی ارتباط ارگان های رهبری با اعضای حزب و مجموعه حزب با توده های مردم بشمار می رود. از این نظر حوزه مبلغ مشی سیاسی حزب و عامل بسیج توده ها در مبارزه در راه تحقق آماج های حزبی است.

– حوزه موظف است با رعایت اصل برتری کیفیت برکمیت، اعضای جدید به حزب جلب کند. فعالیت اعضای حزب را در زمینه انتشار نشریات و اوراق و جمع آوری کمک مالی سازمان دهد.

ب) کنفرانس ها

– ارگان عالی سازمان های روستا، شهر، شهرستان و استان، کنفرانس و در فاصله کنفرانس ها کمیته است. کنفرانس از نمایندگان انتخابی واحد سازمانی مربوطه طبق معیار مصوب ارگان بالاتر تشکیل می گردد.

کنفرانس های روستا، شهر و شهرستان هرسال یکبار و کنفرانس شهرستان سه سال یکبار دعوت می شوند. در صورتی که یك سوم اعضای کمیته مافوق لازم بدانند کنفرانس فوق العاده تشکیل خواهد شد.

– اختیارات ووظایف کنفرانس ها عبارتست از:

استماع و ارزیابی گزارش کمیته و کمیسیون نظارت، صدور قرار و قطعنامه لازم برای عملکرد آینده سازمان مربوطه، انتخاب اعضای کمیته و کمیسیون نظارت.

ج) کمیته ها

– کمیته هر سازمان حزبی در فاصله بین دو کنفرانس ارگان عالی آن سازمان است.

– کمیته های روستا، شهر و شهرستان، استان، سازمان های تابع خود را رهبری می کنند وتصمیمات کنفرانس ها و قطعنامه های پلنوم های کمیته مرکزی را بموقع اجرامی گذارند.

– پلنوم کمیته های روستا، شهر، شهرستان واستان از بین اعضای کمیته، هیئت اجرایی، صدر و معاون صدر انتخاب می کند. برای تسریع فعالیت، تعداد اعضای کمیته اجرایی باید محدود باشد و تعیین تعداد آن با کنفرانس های مربوطه خواهد بود. کمیته اجرایی از میان اعضای خود کمیسیون های تشکیلات، مالی و ایدئولوژیك انتخاب خواهد کرد. این کمیسیون ها تحت نظارت دبیر اول و معاون آن انجام وظیفه می کند.

د) کمیسیون نظارت

– کمیسیون نظارت از میان خود یك نفر دبیر اول انتخاب خواهد کرد.

– هدف کمیسیون کمك به کمیته های منتخب و همکاری با آنها، نظارت در اجرای صحیح تصمیمات کمیته های مربوطه و ارگان های بالاتر در محیط فعالیت خویش و نیز نظارت در امور مالی خواهد بود.

ه) عالی ترین مقام حزبی

– کنگره عالی ترین مقام رهبری حزب توده ایران است که از نمایندگان منتخب از کنفرانس های ایالتی و احزاب ملی دارای اتحاد سازمانی با حزب تشکیل می یابد.

– کنگره گزارش کمیته مرکزی و کمیسیون نظارت مرکزی را می شنود و فعالیت آنها را ارزیابی می کند، برنامه و اساسنامه حزب را تصویب و درصورت لزوم آنها را مورد تجدید نظر قرار می دهد. درصورت عدم ضرورت تجدید نظر در برنامه واساسنامه، قرار و قطعنامه ضرور برای پاسخ دادن به مسائل حاد را به تصویب می رساند.

– کنگره حزب اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی و نیز اعضای کمیسیون نظارت مرکزی را با رای مخفی انتخاب می کند.

– کنگره حزب هر ۵ سال یکبار تشکیل می شود. کنگره فوق العاده از طرف کمیته مرکزی با دوسوم آرا و یا به پیشنهاد حداقل یك سوم اعضای حزب تشکیل می گردد. فقط کنگره حزب حق انتخاب کمیته مرکزی را دارد.

و) کمیته مرکزی

– عالی ترین مقام حزب در فاصله دو کنگره کمیته مرکزی حزب

◄

توده ایران است که فعالیت سیاسی و کار سازمانی حزب را رهبری می کند و به عنوان یگانه نماینده جمعی حزب و فقط در برابر کنگره مسئول است. پلنوم کمیته مرکزی حداقل باید درسال دوبار تشکیل گردد.

– تعداد اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی را کنگره تعیین می کند. برای تسهیل شرایط کار، تعداد اعضا باید در حد معقول باشد. شرط ضرور عضویت در کمیته مرکزی داشتن حداقل ۵ سال سابقه حزبی و فعالیت مستمر در حزب است.

– کمیته مرکزی از بین اعضای خود هیئت اجرایی کمیته مرکزی و دبیر اول و معاون آن را انتخاب می کند. هیئت اجرایی مسئولین کمیسیون های تشکیلات، ایدئولوژی، مالی و در صورت ضرور دیگر کمیسیون ها را تعیین می کند. مسئولان اعضای کمیسیون ها را برای تصویب به هیئت اجرایی پیشنهاد خواهند کرد. تعیین هیئت تحریریه ارگان مرکزی با پیشنهاد مسئول کمیسیون ایدئولوژی از وظایف هیئت اجرایی است. هیئت اجرایی در فاصله دو پلنوم رهنمودها و مصوبات کمیته مرکزی را بمورد اجرا می گذارد. دبیر اول و معاون دبیر اول وسایل اجرای تصمیمات ارگان های عالی رهبری (کمیته مرکزی و هیئت اجرایی) و شرایط اجرای صحیح آنها را فراهم می سازند و در مورد فعالیت خود، در برابر هیئت اجرایی مسئولیت دارند.

دبیر اول حزب بر جریان امور اجرایی به منظور هماهنگ ساختن آنها نظارت عالیه داشته و دفتر سیاسی کمیته مرکزی را اداره می کند. درغیبت وی معاون دبیر اول این وظیفه را به عهده خواهد داشت.

ر) کمیسیون نظارت مرکزی

– این کمیسیون به منظور کمك و همکاری با کمیته مرکزی، نظارت در اجرای صحیح و بی خدشه تصمیمات آن و نظارت بر امور مالی و نیز رسیدگی به شکایات اعضای حزب در اسرع وقت، تشکیل می شود.

عضو کمیسیون نظارت حق ندارد عضو انتخابی ارگان های حزبی باشد.

ح) امور مالی

– درآمد حزب عبارتست از:

حق عضویت، عواید حاصله از نشریات و کمك های مادی اعضای حزب و توده های مردم. گزارش مرتب درآمد وهزینه های حزب باید در اختیار کمیته مرکزی قرار گیرد.

تعیین میزان حق عضویت از وظایف کمیته مرکزی است.

ط) سازمان جوانان

– حزب توده ایران دارای سازمان جوانان مترقی و دمکراتیك و میهن دوست خواهد بود. اعضای سازمان جوانان یار و یاور حزب و ذخیره آن بشمار می روند. سازمان جوانان دارای رهبری ویژه خود خواهد بود.

ی) سازمان های توده ای

– اعضای حزب در محل سکونت و کار باید در ارتباط تنگاتنگ با سازمان های توده ای– اتحادیه های کارگری، سندیکاها، سازمان های زنان، جمعیت ها و باشگاههای فرهنگی، ورزشی، هنری، شرکت های تعاونی و ... باشند و عضویت آنها را بپذیرند.

اعضای حزب در این سازمانها در نبرد برای دستیابی به دمکراسی و نیل به مقاصدی که در برابر سازمان های توده ای قرار دارد باید به عنوان نمونه برای دیگران عمل کنند و فعالانه در همه امور شرکت جویند.

* * *

حزب توده ایران به عنوان ادامه دهنده تاریخ نهضت سوسیال دمکراتیك و کمونیستی ایران، همکاری با همه احزاب و سازمان های چپ داخلی تا مرز ایجاد سازمان واحد سیاسی نیروهای چپ را از وظایف عالیه خود می شمارد و در این راه مبارزه می کند.

حزب همکاری با کلیه نیروهای چپ و ضد امپریالیستی ونیز احزاب کمونیستی و کارگری و سوسیالیستی و سوسیال دمکراتیك جهان را در مرکز فعالیت خود قرار خواهد داد. و این به معنای عدول از همکاری با نیروهای دمکراتیك داخل کشور در چارچوب جبهه واحد مورد نظر حزب نیست.

پیام به حزب ...

رفقای گرامی!

کنگره شما در شرایطی برگزار می شود که جهان در آستانه تحولات و دگرگونیهای مهمی است. برخورد روشنگرانه شما به مسائل بغرنج بین المللی و همچنین به مشکلات داخلی جامعه فرانسه نه فقط برای نیروهای مترقی و بخصوص چپ جامعه شما، بلکه برای حزب ما هم دارای اهمیت خاصی است.

شما فرزندان کمون پاریس و پیروان کنگره تور با قدم های سنجیده و آینده نگری، همراه با مردم فرانسه و بخصوص کارگران و زحمتکشان آن کشور در راه دفاع از آزادی و عدالت اجتماعی و صلح و استقرار دمکراسی گام برمی دارید.

طرح پیشنهادی قطعنامه شما برای کنگره، گویای زنده ای است از بینش نوین پیشرفت در انطباق با منافع مردم و زحمتکشان فرانسه وهمبستگی با خلق های دربند و زحمتکشان جهان.

مبلغان سرمایه داری و امپریالیسم در سراسر جهان و بخصوص در اروپا و فرانسه، با فریاد "مرگ بر کمونیسم" غوغایی برپا کرده اند تا مردم زحمتکش جهان بویژه زحمتکشان کشورهایی را که تا دیروز در شرایط رژیم های بوروکراتیك و ضد دمکراتیك کمونیستی بسر می بردند، از پیروی از آرمان انساندوستانه و عدالت پرور خود بازدارند و در عین حال به سلطه خود در جهان و به غارت بی پایان جهان سوم ادامه دهند. حزب شما با درایت و شجاعت لازم نه فقط با این ایده منفی فراگیر مبارزه می کند، بلکه توانسته پرچم دفاع از آرمان واقعی خود را در جامعه فرانسه سرفراز نگه داشته و در راه همبستگی بین المللی به پیش رود.

موفقیت شما برای همه زحمتکشان جهان و از جمله برای مردم و حزب ما که در سخت ترین شرایط اختناق علیه رژیم جنایتکار و تئوکراتیك مبارزه می کنند، الهام می بخشد.

رژیم ارتجاعی ایران با توسل به زور و قوانین قرون وسطایی از هیچگونه جنایتی فروگذار نمی کند. طی سال های اخیر، هزاران مبارز میهن پرست و از آنجمله فعالین و پیروان حزب توده ایران به جوخه های اعدام سپرده شده اند.

فعالیت احزاب و همه سازمان های مترقی و آزادیخواه غیرقانونی اعلام گردیده. فقر و گرسنگی و فساد و بیکاری سراسر جامعه را فراگرفته است. اعتراضات وسیع مردم بخصوص زحمتکشان و کارگران از سویی و درگیری شدید گروهبندیهای مذهبی در هرم حاکمیت از سوی دیگر نشانه آشکاری است بر درماندگی رژیم، تنگ شدن پایگاه اجتماعی و ایدئولوژیکی آن.

کارزار بین المللی علیه جنایات رژیم ایران و همبستگی مردم جهان باخلق های ایران وهمچنین گزارش های نمایندگان اعزامی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به ایران، گوشه ای از جنایات رژیم را در ابر افکار عمومی جهان افشا کرده است.

رفقای عزیز!

آزادی، دمکراسی، صلح وعدالت اجتماعی شعار ما برای تامین یك زندگی انسانی در شرایط کنونی است. همبستگی بین المللی و در درجه اول همبستگی زحمتکشان در سراسر جهان برای تحقق این آرمان های بشردوستانه اهمیت فوق العاده ای داشته و دارد.

رفقا! مردم میهن ما و حزب توده ایران، همیشه از همبستگی فعال حزب کمونیست فرانسه و نیروهای ترقیخواه آن کشور برخوردار بوده که ما صمیمانه سپاسگزاریم.

موفقیت شما پرچمداران واقعی آرمان های بشردوستانه و رزمندگان راه طبقه کارگر راخواستاریم وبا استفاده از این فرصت هفتادمین سال تاسیس حزب پرافتخار کمونیست فرانسه را به همه شرکت کنندگان در کنگره و توسط آنها به همه کمونیست های فرانسه شادباش می گوئیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۹۹۰/۱۲/۱۵

* به دعوت حزب کمونیست فرانسه هیئت نمایندگی حزب توده ایران درآن کنگره شرکت داشت. به علت کمبود جا مشروح تصمیمات حزب کمونیست فرانسه در شماره آینده به اطلاع خوانندگان خواهد رسید.

NAMEH MARDOM
Central Organ of the Tudeh Party of Iran
NO : 340
January 8 1991
نامهء مردم
بها : ۲۰ ریال
ADDRESSES: 1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
2- Dr.W.Silbermayer,PF.398,A-1141 Wien, Osterreich